

بررسی روایت «الزیدیه هم النصاب»: از صحت تا جعل

مهدی عسگری^۱قاسم جوادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۹

چکیده

در روایاتی که از ائمه علیهم السلام روایت شده، به پاره‌ای از فرقه‌های اسلامی صفاتی منتسب شده است. شیخ طوسی در تهذیب الأحکام و کشی در الرجال روایتی را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که در آن روایت، زیدی‌ها با ناصبی‌ها یکسان انگاشته شده‌اند. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، متن و سند این روایت است و بعد از آن، بررسی‌های تاریخی درباره زیدی‌ها انجام می‌گیرد. اهمیت این پژوهش در آن است که می‌تواند ما را با یکی از احادیثی که تا به حال درباره آن تأمل چندانی نشده، آشنا کند و به نزاع‌های میان فرقه‌ها اشاره کند. روش این پژوهش تاریخی و هرمنوتیکی است. نتیجه اجمالی که مقاله به آن دست یافته، این است که این روایت یا از جعل جاعلان بوده که در دعواهای فرقه‌ای به جعل این روایت مبادرت کرده‌اند و یا معنای جدیدی از ناصبی بودن را می‌خواهد بیان کند. شاید بتوان گفت که با توجه به داده‌های تاریخی، احتمال وضع و جعل این حدیث قابل دفاع‌تر است.

کلیدواژه‌ها: ناصبی، زیدیه، بُتریه، تهذیب الأحکام، شیخ طوسی.

۱. مقدمه

شیعیان همچون دیگر فرقه اسلامی، یعنی اهل تسنن، به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شده‌اند. یکی از این فرقه‌ها، فرقه‌ای موسوم به زیدیه است. این دسته از شیعیان، به گزارش

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) (mehdiaskari1371@gmail.com).

۲. استادیار مدرسه عالی امام خمینی (javadi608@yahoo.com).

برخی از تاریخ نگاران فِرَق، به چند فَرَقه تقسیم شده اند. بُثْرِیّه، سلیمانیه، یعقوبیه، نعیمیه و جارودیه. در این میان، فرقه ای دیگر در میان مسلمانان وجود دارد که به دلیل بغض و عداوتی که نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشتند، به ناصبی ها مشهور شدند. در برخی از روایات - که شیعیان اثنی عشری از امامان (علیهم السلام) نقل کرده اند - زیدیه نکوهش شده اند و در برخی دیگر از روایات به این مقدار بسنده نشده است، بلکه زیدیه را هم سنگ با واقفه و ناصبی ها قرار دادند و در برخی دیگر از روایات زیدیه را همان ناصبی خوانده اند. در این مقاله به بررسی روایت تهذیب الأحکام شیخ طوسی اشاره خواهد شد که در آن زیدیه با ناصبی ها یکسان دانسته شده اند. البته این روایت در منابع دیگر نیز نقل شده است، اما در این میان تهذیب الأحکام به دلیل این که از کتب اربعه است، مورد توجه قرار گرفت. بعد از بیان معانی برای نصب به اصل حدیث و احادیث مشابه آن اشاره و بعد از آن به رجال حدیث و اقوال علمایی که این حدیث را تفسیر کردند، نظری خواهد شد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

درباره این روایت تا به حال پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. درباره این حدیث تحلیل مختصری در این مقاله موجود است: «کبریت احمر، عنقاء مغرب و اسلام شناسی (نکاتی از تهذیب الأحکام شیخ طوسی)»، قاسم جوادی، فصلنامه علمی علوم حدیث، ش ۱۰۰، ۱۴۰۰ش، ص ۲۰۹-۲۳۴. در صفحات ۲۱۸-۲۱۹ این مقاله تحت عنوان «زیدیه همان ناصبی ها هستند»، به این حدیث اشاره شده است. آنچه در این مقاله اشاره شده، تنها اشاره به اصل روایت است.

۲. روایت تهذیب الأحکام

شیخ طوسی در تهذیب الأحکام، باب «مستحق الزکاة للفقروالمسکنة من جملة الأصناف» این حدیث را نقل می کند:

وَعَنْهُ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّدَقَةِ عَلَى النَّصَابِ وَالْزَيْدِيَّةِ، قَالَ: لَا تَصَدَّقْ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ، وَ لَا تَسْقِهُمْ مِنَ الْمَاءِ إِنْ اسْتَطَعْتَ، وَقَالَ: الزَّيْدِيُّ هُمُ النَّصَابُ.^۱

همان طور که از متن روایت برمی آید، امام (علیه السلام) صدقه دادن و آب دادن به زیدی ها را ممنوع

۱. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۵۳، ح ۱۴۱؛ الوافی، ج ۱۰، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۲۲، ح ۱۱۸۸۴.

و آن‌ها را ناصبی اعلام می‌کند.

امامی که این روایت از ایشان نقل شده، در روایت تهذیب الأحکام ذکر نشده است، اما همین حدیث در رجال الکشی در ذکر «فی الزیدیه» با این سند روایت شده است:

حَمْدَوِيه، قَالَ حَدَّثَنَا يَغْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَاوٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّدَقَةِ عَلَى النَّاصِبِ وَعَلَى الزَّيْدِيَةِ فَقَالَ: لَا تَصَدَّقْ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَا تُسْقِهِمْ مِنَ الْمَاءِ إِنْ اسْتَطَعْتَ، وَقَالَ لِي: الزَّيْدِيَةُ هُمُ النَّصَابُ.^۱

همان طور که سند روایت پیدا است، جزیک راوی، بقیه راویان حدیث با روایت تهذیب الأحکام یکسان هستند و عمر بن یزید از حضرت امام صادق عليه السلام روایت را نقل کرده است.

۲. روایات دیگر در یکسانی ناصبی‌ها با زیدیه

کشی در رجال روایتی را با این مضمون از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْبَرَاءِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ، قَالَ حَكِي مُنْصُورٌ، عَنْ الصَّادِقِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا عليه السلام: أَنَّ الزَّيْدِيَّةَ وَالْوَاقِفَةَ وَالنُّصَابَ عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ.^۲

در روایتی دیگر، کشی از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند که:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ حَدَّثَنِي الْفَارِسِيُّ يَعْنِي أَبَا عَلِيٍّ، عَنْ يَغْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾، قَالَ: نَزَلَتْ فِي النَّصَابِ وَالزَّيْدِيَّةِ وَالْوَاقِفَةِ مِنَ النَّصَابِ.^۳

البته در برخی از روایات، میان ناصبی و زیدی تفاوتی مطرح شده است؛ فی‌المثل در روایتی از وجود مقدس ابوالحسن عليه السلام (عنوان مشترک برای امام موسی بن جعفر و امام رضا عليه السلام) این گونه روایت شده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ بْنِ أَبِي

۱. رجال الکشی، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۴۶۰. «از امام رضا عليه السلام نقل شده است که: نزد حضرت زیدیه، وافقه و ناصبی‌ها در یک مرتبه و جایگاه هستند».

۳. همان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۴۴. از امام جواد عليه السلام درباره آیات ۲ و ۳ سوره غاشیه پرسیدند، حضرت فرمودند: این آیات درباره ناصبی‌ها، زیدی‌ها و وافقی‌ها که همان ناصبی‌ها هستند نازل شده است.

سَلَمَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ غَزْوَانَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ لِي جَارَيْنِ أَحَدُهُمَا نَاصِبٌ وَالْآخَرُ زَيْدِي وَلَا بُدَّ مِنْ مُعَاشَرَتِهِمَا فَمَنْ أُعَاشِرُ؟ فَقَالَ: هُمَا سَيَانٍ مَنْ كَذَّبَ بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، فَقَدْ نَبَذَ الْإِسْلَامَ وَرَاءَ ظَهْرِهِ، وَهُوَ الْمُكَذِّبُ بِجَمِيعِ الْقُرْآنِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا نَصَبٌ لَكَ وَهَذَا الزَّيْدِيُّ نَصَبٌ لَنَا.^۱

مرحوم مجلسی این حدیث را ضعیف دانسته است.^۲

از مجموع این روایات و روایات مشابه دانسته می‌شود که زیدی‌ها در کنار دیگر فرقه‌هایی که از دیدگاه شیعیان امامی گمراه هستند، قرار گرفته‌اند و در عداد با ناصبی‌ها قرار دارند. در ادامه، به اشکال‌هایی که می‌توان به روایت تهذیب الأحکام و روایات مشابه آن داشت، به صورت تفصیلی اشاره خواهد شد؛ اما به صورت اجمال می‌توان گفت که عدم تطابق با حقایق تاریخی و جعل به سبب دعواهای فرقه‌ای را می‌توان به عنوان دو اشکال عمده در پذیرش این روایت بیان کرد. برای توضیح هرچه بهتر درباره روایت، معانی نصب، رجال حدیث و تفسیر مجلسی اول و دوم بر این روایت را بیان کرده و سپس به نقد و بررسی درباره داده‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

۳. معانی نصب

برای نصب و ناصبی تعاریف گوناگونی ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

النصب: هو بغض علی و عداوته.^۳

النصب بغض علی و تقدیم غیره علیه.^۴

برخی از فقهای شیعه با نظریه برخی از روایات معتقدند:

۱. الکافی (الروضة)، ج ۸، ص ۲۳۵، ح ۳۱۴. عبد الله بن مغیره می‌گوید: به حضرت ابوالحسن عليه السلام عرض کردم: من دو همسایه دارم یکی ناصبی و دیگری زیدی و من ناگزیرم با آن‌ها رفت و آمد داشته باشم. با کدام یک آمد و شد کنم؟ امام عليه السلام فرمود: هر دو بد هستند، هر که آیه‌ای از کتاب خدا را تکذیب کند اسلام را پشت سرخویش رها کرده است و همه قرآن و انبیا و پیامبران را تکذیب نموده. امام عليه السلام سپس فرمود: این یکی [ناصبی] دشمن توست و آن زیدی دشمن ما (بهشت کافی / ترجمه روضه کافی، ص ۲۷۹).

۲. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۸۰.

۳. الکشاف، ج ۴، ص ۷۲۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۱.

۴. هدی الساری، ص ۴۵۹؛ تدریب الروای، ج ۱، ص ۴۷۹.

فالذی ینظر من بعض الأخبار: أنَّ النصب لا یختص ببغض أهل البيت (علیهم السلام)، بل هو مطلق من قدم الجبیت و الطاغوت.^۱

در برخی از روایات دشمن شیعیان نیز ناصبی خوانده شده است:

باب معنی الناصب: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيهِ (علیه السلام) قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ ابْنِ فَضَالٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)، يَقُولُ: لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، لِأَنَّكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا يَقُولُ: أَنَا أَبْغِضُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَلَكِنَّ النَّاصِبَ مَنْ نَصَبَ لَكُمْ، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّكُمْ تَتَوَلَّوْنَ أَوْ تَتَّبِعُونَ مِنْ أَعْدَائِنَا....^۲

البته آنچه گفته شد، تمام معانی نیست که برای ناصبی ذکر شده است و می توان موارد دیگری را نیز ذکر کرد.^۳

بعد از بیان معنایی نصب به روایت تهذیب الأحکام و مسائل مربوط به آن اشاره خواهد شد.

۴. بررسی رجال حدیث تهذیب الأحکام

در سلسله راویان حدیث به اولین راوی با ضمیر «ه» اشاره شده که به محمد بن حسن صفار - که در روایت قبل از او روایت شده - باز می گردد. نجاشی درباره او می نویسد:

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار: مولى عيسى بن موسى بن طلحة بن عبيد الله بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري، أبو جعفر الأعرج، كان وجهاً في أصحابنا القميين، ثقة عظيم القدر راجحاً قليل السقط في الرواية.^۴

نفر دوم در سلسله راویان این حدیث، یعقوب بن یزید انباری است. درباره او نوشته اند:

۱. کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۱۴۵. آنچه از بعضی اخبار به دست می آید این است که نصب اختصاصی به بغض اهل بیت (علیهم السلام) ندارد، بلکه مطلق مقدم کردن جبت و طاغوت را شامل می شود.

۲. معانی الأخبار، ص ۳۶۵. معلى بن خنيس گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: ناصبی کسی نیست که با ما خاندان جملگی دشمنی ورزد، چون نمی توانی فردی را پیدا کنی که آشکارا بگوید: «من با محمد و آل محمد دشمن هستم»، و لکن «ناصب» کسی است که در مقابل شما قد علم کند، در حالی که می داند شما دوستان ما هستید و یا دشمن دشمنان ما هستید (ترجمه معانی الأخبار، ج ۲، ص ۳۵۷).

۳. برای نمونه رک: الفوائد المدنية، ص ۴۵۱ به بعد؛ الحقائق الناضرة، ج ۵، ص ۱۸۶ به بعد. در این باره کتابی مفصل نیز توسط بدر بن ناصر بن محمد العواد تحت عنوان النصب و النواصب دراسة تاريخية عقديّة در هزار صفحه نوشته شده است.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۵۴، رقم ۹۴۸؛ رجال العلامة، ص ۱۵۷، رقم ۱۱۲.

كان ثقة صدوقاً.^۱

در جایی دیگر از او «كثير الرواية، ثقة» یاد شده است.^۲

نفر سوم محمد بن عمر بن بیاع السابری است. در کتاب های رجال درباره او مطلب چندانی وجود ندارد. ابن داود از او یاد کرده^۳ و شیخ طوسی در رجال او را در زمره اصحاب امام رضا علیه السلام آورده است^۴ و همو درباره محمد بن عمر می نویسد:

محمد بن عمر بن یزید. له کتاب. أخبرنا ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد بن عمر بن یزید.^۵

آیه الله خویی در جمع بندی خود درباره نقل ابن داود و شیخ طوسی می نویسد:

وعده ابن داود، فی القسم الأول (۱۴۴۳) ولعله مبني على أصالة العدالة وكيف كان، فطريق الشيخ إليه صحيح، وإن كان فيه ابن أبي جيد، فإنه ثقة على الأظهر.^۶

نفر چهارم در روایت، محمد بن عذافر صیرفی است. نجاشی او را «ثقه» دانسته است.^۷

شیخ طوسی ضمن ثقه دانستن صیرفی، معتقد است که او کتاب داشته است.^۸

نفر آخر نیز عمر بن یزید بن بیاع السابری است. شیخ طوسی او را ثقه دانسته است.^۹

مرحوم علامه مجلسی دوم درباره سند این روایت معتقد است که روایت مجهول است.^{۱۰}

مرحوم مجلسی اول معتقد است که سند حدیث قوی است.^{۱۱} مرحوم مقدس اردبیلی، محقق سبزواری و ملا احمد نراقی سند روایت را صحیح دانسته اند.^{۱۲} با توجه به آنچه درباره

۱. رجال النجاشی، ص ۴۵۰، رقم ۱۲۱۵؛ رجال العلامة، ص ۱۸۶، رقم ۱ از باب الخامس.

۲. رجال الطوسی، ص ۳۹۳، رقم ۵۷۹۷؛ فهرست کتب الشیعة، ص ۵۰۸، رقم ۸۰۷.

۳. الرجال (لابن داود)، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۶۶، رقم ۵۴۴۱.

۵. فهرست کتب الشیعة، ص ۴۰۰، رقم ۶۰۷.

۶. معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۶۹.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۵۹، رقم ۹۶۶؛ رجال العلامة، ص ۱۳۸، رقم ۹ از باب الأول محمد.

۸. رجال الطوسی، ص ۳۴۳، رقم ۵۱۱۳.

۹. رجال الطوسی، ص ۳۳۹، رقم ۵۰۴۶؛ فهرست کتب الشیعة، ص ۳۲۴، رقم ۵۰۳.

۱۰. ملاذ الأخیار، ج ۶، ص ۱۴۳.

۱۱. روضة المتقين، ج ۳، ص ۵۲.

۱۲. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۴، ص ۲۷۲؛ ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۴۵۷؛ مستند الشیعة فی أحكام الشریعة،

ج ۹، ص ۲۹۷.

راویان این حدیث بیان شد و اقوال برخی از علما، می‌توان این حدیث را از حیث سند صحیح دانست.

۵. تفسیر روایت تهذیب الأحکام نزد مجلسی اول و دوم

مجلسی اول در تفسیر این روایت می‌نویسد:

و كالصحيح منقول است از عمر بن یزید كه گفت: از آن حضرت عليه السلام سؤال كردم از تصدق دادن به ناصبی و زیدی؟ حضرت فرمودند كه: تصدق به ایشان مده و اگر توانی آب به ایشان مده و زیدی نیز ناصبی است و عداوت با ائمه معصوم عليهم السلام دارند كه چرا جهاد نمی‌كنند؛ چنان كه زید يك ساعت خروج كرد و خود را با جمعی كثیر به كشتن داد و از این جهت است كه سنیان با زیدی [بد] نیستند؛ چون در بطلان شریك‌اند و اكثر فسادها از علما زیدیه شد و چندین هزار كس از سادات و شیعیان را به كشتن دادند و مباحثاتی كه با حضرات ائمه هدی - صلوات الله علیهم - همیشه می‌كردند، مشهور است و بعضی از آنها در كافی مذكور است.^۱

مجلسی دوم درباره این حدیث می‌نویسد:

قوله عليه السلام: «الزیدیه هم النصاب» قيل: المراد البتریه من الزیدیه، لتصريحهم عليهم السلام بأن النصاب هم الذين قدموا فلاناً علی علی عليه السلام.^۲

علامه مجلسی در جایی دیگر می‌نویسد:

أقول: كتب أخبارنا مشحونة بالأخبار الدالة علی كفر الزیدیه وأمثالهم من الفطحية و الواقفة و غیرهم من الفرق المضلة المبتدعة...^۳

۶. نقد و بررسی

از آنچه تاکنون گفته شد، دانسته می‌شود كه در حدیث تهذیب الأحكام امام عليه السلام زیدیه را با

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۵، ص ۵۱۶.

۲. ملاذ الأنوار، ج ۶، ص ۱۴۳. قول امام عليه السلام كه فرمود: «زیدی‌ها همان ناصبی‌ها هستند» [این گونه تفسیر می‌شود كه] گفته شده است: مراد فرقه بُتریه از میان زیدی‌ها هستند؛ به سبب تصریح ائمه عليهم السلام كه ناصبی را كسی می‌دانند كه فلانی را بر علی عليه السلام مقدم می‌كنند.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۳۴. می‌گوییم: كتاب‌های روایی ما پُر است از اخباری كه دلالت بر كفر زیدی‌ها و امثال آنها مثل فطحی‌ها و واقفی‌ها از فرقه‌های گمراه‌كننده بدعت‌گذار دارد.

ناصبی‌ها یکسان دانسته و در احادیث دیگر نیز این معنا مورد تأکید قرار گرفته است. سند حدیث نیز صحیح است. در ضمن، مجلسی دوم - که درباره این حدیث اظهار نظر کرده - معتقد است که این حدیث بیان‌گر ناصبی بودن فرقه‌ای از زیدی‌ها، یعنی بُثْرَیّه است. اما با رجوع به کتاب‌هایی که در بیان أهواء و ملل نوشته شده است می‌توان گفت که زیدیه فرقه‌های گوناگونی داشته و تمامی این فرقه‌ها از محبان امیرالمؤمنین بوده‌اند. از این رو، حکم به ناصبی بودن آن‌ها دشوار است. برای توضیح مطلب به بیان فرقه‌های مختلف زیدیه اشاره خواهد شد.

الف) بُثْرَیّه: نوبختی درباره عقاید این فرقه از زیدیه می‌نویسد:

(و فرقة) قالت أنّ علیا كان أولى الناس بعد رسول الله ﷺ بالناس لفضله وسابقته و علمه، وهو أفضل الناس كلّهم بعده، وأشجعهم وأسخاهم وأورعهم وأزهدهم، وأجازوا مع ذلك إمامة أبي بكر وعمر وعدهما أهلاً لذلك المكان والمقام. وذكروا أنّ علیاً ﷺ سلّم لهما الأمر ورضی بذلك وبايعهما طائفة غير مكره، وترك حقه لهما، فنحن راضون كما رضی الله المسلمين له ولمن بايع، لا يحل لنا غير ذلك، ولا يسع منا أحداً إلا ذلك، وأنّ ولاية أبي بكر صارت رشداً وهدى لتسليم علی ورضاه، ولولا رضاه وتسليمه لكان أبو بكر مخطئاً ضالاً هالکاً، وهم أوائل «البتريّة».^۱

همان‌طور که از این عبارت نوبختی بر می‌آید، بُثْرَیّه مبغض امیرالمؤمنین (ع) نبودند، بلکه امامت ابوبکر و عمر را جایز می‌دانستند؛ با این فرض که امیرالمؤمنین (ع) خود این مسئله را با رضایت پذیرفته بودند.

در روایت ابوالحسن اشعری از بُثْرَیّه، این فرقه از پیروان حسن بن صالح بن حی و کثیر النّوّاء دانسته شده‌اند. اشعری نیز معتقد است که این دسته از زیدیه امیرالمؤمنین (ع) را به ابوبکر و عمر تفضیل می‌دادند، لکن بیعت ابوبکر و عمر را نیز خطا نمی‌دانستند؛ زیرا امیرالمؤمنین (ع) بیعت را به نفع این دو ترک کردند؛ اما درباره عثمان توقف می‌کردند و سخنی درباره او نمی‌گفتند.^۲ بغدادی معتقد است که این فرقه از زیدیه «أحسن حالاً» نزد اهل سنت هستند. از این رو، امام مسلم در صحیح از حسن بن صالح بن حی نقل روایت کرده است.^۳

۱. فرق الشیعة، ص ۲۰.

۲. مقالات الإسلامیین، ص ۶۸-۶۹؛ الأنساب، ج ۲، ص ۷۸.

۳. الفرق بین الفرق، ص ۲۴.

همان طور که از این عبارات به دست می آید، بُثْرَیّه نه دیگران را بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقدم می کردند تا سخن مرحوم مجلسی دوم در تفسیر حدیث تهذیب الأحکام صحیح باشد و نه بغض امیرالمؤمنین (علیه السلام) را داشتند تا بتوان به آن ها ناصبی گفت. البته در برخی از روایات، سران این فرقه مذمت شده اند؛ فی المثل، در تفسیر العیاشی از ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که حضرت فرمودند:

إِنَّ الْحَكَمَ بْنَ عَتِيبَةَ وَ سَلْمَةَ وَ كَثِيرَ بْنَ النَّوَاءِ وَأَبَا الْمَقْدَامِ وَ التَّمَارِيعَنِي سَالِمًا أَضَلُّوا كَثِيرًا مِّمَّنْ ضَلَّ مِنْ هَؤُلَاءِ النَّاسِ، وَ إِنْتَهُمْ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾، وَ إِنْتَهُمْ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ: ﴿أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ يَلْحَقُونَ بِاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُكُمْ خَبِثَةً أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ﴾.^۱

در این روایت از کثیر النواء - که از سران بُثْرَیّه است - در کنار دیگران با تعبیر «کسانی که مردم را گمراه می کنند» یاد شده است؛ اما این مذمت ها دلالتی بر ناصبی بودن آن ها ندارد. یا در تفسیر فرات کوفی آمده است:

فُرَاتٌ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ مُعْتَمِدًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْأَرْجَبِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَمِّي يَقُولُ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ [الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ] أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ كَثِيرِ النَّوَاءِ عِنْدَهُ فَتَكَلَّمْتُ كَثِيرًا فَدَخَلَ رَجُلَانِ [رجلين] فَأَظَاهُمَا فَقَالَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ: يَا كَثِيرُ، قَالَ: مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفَنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلَحَ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ فَخَلَفَ وَ اللَّهُ أَبُونَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ أَصْلَحَ وَ لَا وَاللَّهِ مَا سَلَّمَ وَ لَا رَضِيَ وَ لَا اتَّبَعَ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ. وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.^۲

در این مکالمه زید بن علی به نوعی به عقیده کثیر النواء درباره رضایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد خلافت دیگران طعنه می زند. شاید بتوان گفت این روایات تعریف دیگری از ناصبی بودن را بیان می کند و آن تعریف، این است که کسی که قابل باشد که امیرالمؤمنین (علیه السلام) رضایت به خلافت ابوبکرو عمر داشته است، ناصبی است و این دسته از زیدیه به این عقیده قابل بوده اند. از این رو ناصبی هستند. هرچند می توان این معنا را بیان کرد، اما این معنا از نصب، خلاف معنای اصطلاحی است که در میان علما رواج داشته است و باید ادله

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۴۴.

بیشتری برای آن اقامه کرد.

(ب) جارودیه: نوبختی درباره این فرقه می نویسد:

«و فرقة» منهم یسمون الجارودية. قالوا: بتفضیل علی علیه السلام و لم یروا مقامه یجوز لأحد سواه. و زعموا أنّ من دفع علیا عن هذا المكان فهو کافرو أنّ الأئمة کفرت و ضلّت فی ترکها بیعتته و جعلوا الإمامة بعده فی الحسن بن علی علیه السلام ثمّ فی الحسین علیه السلام ثمّ هی شوری بین أولادهما فمن خرج منهم مستحقاً للإمامة فهو الإمام.^۱

اشعری در روایت خود از این فرقه از زیدیه بیان می کند که این فرقه از پیروان ابوجارود است. این فرقه معتقدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را با نص به جانشینی خود برگزیده است.^۲

همان طور که از گزارش نوبختی و اشعری دانسته می شود، جارودیه همچون شیعیان اثنی عشری امامت امیرالمؤمنین را به نص می دانند و برخلاف بُثْرِیّه، معتقدند که هرکس امیرالمؤمنین علیه السلام را از این جایگاه تنزل دهد، کافر است. از این رو نمی توان این دسته از زیدیه را ناصبی دانست.

(ج) سلیمانیه: این فرقه از زیدیه اصحاب سلیمان بن جریرزیدی هستند. این فرقه براین باورند که امامت به شورا است و امامت با بیعت دو مرد از بهترین امت نیز بسته می شود. همچنین این فرقه معتقدند که مفضول با وجود فاضل می تواند امامت کند.^۳ این گزارش از سلیمانیه نیز بیان گر هیچ گونه اثبات ناصبی بودن براین فرقه نیست.

(د) نعیمیّه: این فرقه از پیروان نعیم بن یمان هستند. آن ها معتقدند:

أنّ علیا کان مستحقاً للإمامة، وأنّه أفضل الناس بعد رسول الله - صلی الله علیه و سلم -، و أنّ الأئمة لیست بمخطئة خطأ أثمّ فی إن ولّت أبا بکرو عمر - رضوان الله علیهما -، و لكنها مخطئة خطأ بیئاً فی ترک الأفضل، و تبرّءوا من عثمان، و من محارب علی و شهدوا علیه بالکفر.^۴

با توجه به این گزارش نیز نمی توان گفت که این فرقه از زیدیان ناصبی هستند.

۱. فرق الشیعة، ص ۲۱.

۲. مقالات الإسلامیین، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۶۸.

۴. همان، ص ۶۹.

ه) یعقوبیه: این دسته از زیدیان امامت ابوبکرو عمر را جایز می دانستند، اما از کسانی که از ابوبکرو عمر تبری می جستند، تبری نمی کردند.^۱ با توجه به این گزارش هم نمی توان این فرقه را جزء نواصب به حساب آورد.

و) اشعری فرقه ای دیگر از زیدیان را تحت عنوان «الفرقة الخامسة من الزيدية» آورده که از ابوبکرو عمر تبری می جستند.^۲ این فرقه را نیز نمی توان جزء فرقه ناصبی ها دانست. با توجه به آنچه درباره فرقه های مختلف زیدیه بیان شد، شاید بتوان گفت که حدیث تهذیب الأحکام را بتوان به دو گونه توضیح داد:

۱. معتقد شویم که اصل حدیث جعلی است و کسی که متن آن را جعل کرده، سند آن را هم به خوبی جعل کرده است تا حدیث از لحاظ سند صحیح و قابل احتجاج باشد، اما واضح به این مسئله توجه نداشته که جعل و وضع او با واقعیت های تاریخی درباره زیدیه هم خوانی ندارد و هیچ کدام از فرقه های زیدیه را نمی توان به ناصبی بودن متهم کرد؛ زیرا هیچ کدام از این فرقه ها بغض امیرالمؤمنین (ع) را نداشته اند.

۲. تفسیر دیگر از این روایت این است که به خاطر عدم تبری از خلفا - که به اعتقاد امامیه غاصب حق مسلم امیرالمؤمنین (ع) بودند - می توان آن ها را به نوعی دوست دار دشمنان اهل بیت (ع) دانست و این خود معنایی از نصب است. اگر این معنا را ثابت بدانیم، آنگاه این عقیده تنها برای بُثْرَیّه ثابت نخواهد شد؛ همان طور که مجلسی دوم تنها برای بُثْرَیّه با لفظ «قیل» بیان کرده است، بلکه برای دیگر فرقه های زیدیه - که از ابوبکرو عمر تبری نمی جویند - نیز این معنا ثابت خواهد بود.

البته تفسیری دیگر نیز می توان از ناصبی ارائه داد که ذیل بُثْرَیّه به آن اشاره شد. به هر حال با توجه به روایاتی که در مذمت کثیرالنواء آمده و وی نیز از بنیان گذاران بُثْرَیّه بوده، این فرقه از زیدیان در مظان بیشتری برای ناصبی بودن قرار داشته اند. هر چند شواهد تاریخی و عقیدتی این فرقه گمراهی آن ها را ثابت می کند، اما ناصبی بودن آن ها محل تأمل است.

۷. نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد می توان به نتایج زیر اشاره کرد:

۱. الفرق بین الفرق، ص ۲۵.

۲. مقالات الإسلامیین، ص ۶۹.

۱. روایت تهذیب الأحکام از لحاظ سندی صحیح است و از این رو، باید به آن توجه ویژه کرد و علاوه بر سند صحیح این روایت، روایات دیگر نیز مؤید آن هستند که ناصبی‌ها با زیدی‌ها در یک ردیف قرار دارند.
۲. مجلسی اول و دوم - که دست به تفسیر این روایت زدند - هر چند یکی این حدیث را در جایی قوی و در جای دیگر مانند صحیح (کالصحیح) می‌دانند و دیگر مجهول، اما هر دو در این اتفاق دارند که زیدی‌ها از فرق گمراه شیعه هستند و مجلسی دوم حکم به کفر آن‌ها نیز می‌کند.
۳. در تفسیر روایت از فرقه‌های زیدیة بُثْریّه را به عنوان مصداق در حدیث دانسته‌اند، اما با توجه به گزارش‌هایی که درباره این فرقه وجود دارد نسبت نصب به آن‌ها دادن بسیار دشوار است، مگر این‌که گفته شود ناصبی کسی است که معتقد باشد، امیرالمؤمنین به امامت ابوبکر و عمر راضی بوده است که این معنا از نصب نیز چندان پژوهیده نشده است.
۴. شاید بتوان گفت که این روایت در دعوای فرقه‌ای - که میان امامیه و زیدیة و دیگر فرق شیعه بوده - جعل شده است. این نظریه به دلیل عدم همراهی واقعیات تاریخی و اطلاعاتی که از فرقه‌های مختلف زیده به دست ما رسیده، از جهاتی قابل دفاع تر است.

کتابنامه

- کتاب الطهارة، مرتضی بن محمد امین انصاری دزفولی، تصحیح: گروه پژوهش در کنگره، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری [تراث الشيخ الأعظم رحمته، ۱۴۱۵ق.
- ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد، محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۷ق.
- الأنساب، ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۹۶۲م.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
- بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: حمیدرضا آذریر، قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۱ش.
- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، جلال الدین سیوطی، بعنایة: مازن بن محمد السرساوی، المملكة العربیة السعودیة: دار ابن الجوزی، ۱۴۳۱ق.

- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
- تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق حسن خراسان الموسوی، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه، سوم، ۱۳۷۳ش.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، حسن بن علی (ابن داود) تقی الدین حلی، تصحیح: محمد کاظم میاموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- رجال، حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- رجال، حسن بن یوسف علامه حلی، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، قم: الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
- روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبید الله بن عبد الله حسان، تصحیح: محمد باقر محمودی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۱ق.
- فرق الشيعة، حسن بن موسی نوبختی، بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم، عبد القاهر بغدادی، بیروت: دارالجيل و دارالآفاق، ۱۴۰۸ق.
- فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبد العزيز طباطبائي، گردآورنده: مكتبة المحقق الطباطبائي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.

الكافي (فروع)، محمد بن يعقوب كليني، تقديم وتعليق على اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران: دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، محمود بن عمر زمخشري، تصحيح مصطفى حسين احمد، بيروت: دارالكتاب العربي، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ق.

لوامع صاحبقراني المشتهر بشرح الفقيه، محمدتقي بن مقصود علي مجلسي، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، احمد بن محمد اردبيلي، تصحيح: مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاړدی، حسین یزدي اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر بن محمدتقي مجلسي، تحقيق: سيدهاشم رسولي محلاتي، تهران: دارالكتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

مستند الشيعة في أحكام الشريعة، مولى احمد بن محمد مهدي نراقي، تصحيح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، ۱۴۱۵ق.

معاني الأخبار، محمد بن علي (شيخ صدوق) ابن بابويه، ترجمه: عبدالحی محمدی شاهرودی، تهران: دارالكتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۷ش.

معانی الأخبار، محمد بن علي (شيخ صدوق) ابن بابويه، تصحيح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ابوالقاسم خویی، بی نا، بی جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.

مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، ابوالحسن اشعري، آلمان - ويسبادن: فرانس شتاينر، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق.

الوافي، محمد محسن فيض كاشاني، اصفهان: كتابخانه امام أميرالمؤمنين علی (عليه السلام)، ۱۴۰۶ق.

وسائل الشيعة، محمد بن حسن شيخ حر عاملي، تحقيق: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ۱۴۰۹ق.

هدى السارى مقدمة فتح الباري، احمد بن علي ابن حجر عسقلاني، تصحيح: محب الدين خطيب، بی جا، المكتبة السلفية، بی تا.